



نگاهی به نساجی سنتی اقلیم خراسان

سامرا سلیم پور آبکنار*

پژوهشکده هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

s.salimpour@richt.ir

خلاصه

نساجی سنتی در کنار سایر هنرهای صناعی بازگوکنندهٔ باورها، آداب و رسوم، سنتها و فرهنگ قومی هر منطقه است که عموماً محصولاتش بر اساس: مواد اولیه بوم‌آورد، اقلیم جغرافیایی و نیاز ساکنان منطقه شکل می‌گیرد. با بررسی روش تولید، طرح، نقش و رنگ یک دستبافته سنتی در هر منطقه می‌توان شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، باورهای قومی و مذهبی، پوششهای گیاهی منطقه ... را مورد مطالعه و واکاوی قرار داد. بنابراین، تحقیق دربارهٔ نساجی و دستبافته‌های سنتی هر منطقه می‌تواند بخشی از دانسته‌های ما را پیرامون مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی روان‌شناسی یک اقلیم پوشش دهد. براین اساس، این تحقیق به مطالعه نساجی سنتی و مهمترین دستبافته‌های اقلیم پهناور خراسان پرداخته است که مهمترین آنها عبارتند از: برک‌بافی، شعربافی، فرشبافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، پوستین‌دوزی ... نتایج نشان می‌دهد که در بخشهای مختلف منطقهٔ خراسان، متناسب با «اقلیم جغرافیایی، پوشش‌های گیاهی و مواد اولیه بوم‌آورد» دستبافته‌های سنتی ارزشمندی شکل گرفته است؛ بنحویکه علاوه بر برطرف نمودن نیازهای ساکنان محلی، به اقتصاد خانواده و امرار معاش آنها در کنار پیشه‌های کشاورزی و دامداری کمک قابل توجهی نموده است. این مقالهٔ مروری بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، اطلاعات حاصل از کتب ارزشمند و مقالات پژوهشی نگاشته شده است.

کلمات کلیدی: اقلیم خراسان، دستبافتهٔ سنتی، نساجی سنتی، هنرهای دستی، بوم‌آورد.

۱. مقدمه

خراسان یا خوراسان (یا خراسان باستانی) سرزمینی بزرگ‌تر از استان خراسان امروزی، بخشی از ایران بزرگ و از دوران ایران ساسانی نامی سنتی و همگانی برای اشاره به نواحی شرقی ایران است. ساسانیان سرزمین ایران را به چهار بخش تقسیم کرده بودند که یکی از آن بخش‌ها خراسان بود. خراسان در فارسی پیشین به معنای «خاور زمین» است و از دو واژهٔ «خور» به معنای *آفتاب* و «آسان» به معنای *طلوع‌کننده* به‌وجود آمده و بنابراین، خراسان به معنای «محل برآمدن خورشید» است [۱]. ازسویی دیگر، واژهٔ خراسان در زبان پهلوی معادل واژهٔ «خورآیان» به معنای خورشید در *حال آمدن* است؛ حال آنکه پژوهشگران اروپایی از خراسان در آثار خود با نام «آریا» یاد کرده‌اند [۲ و ۳].

* **Corresponding author:** Assistant Professor- Postdoctoral of Textile Engineering

Email: s.salimpour@richt.ir



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

این استان به دلیل وسعت زیاد دارای تنوع اقلیمی و آب و هوای متنوع معتدل، بیابانی و نیمه بیابانی است. هرچه از شمال به سمت جنوب استان پیش می‌رویم، شوربختانه بر اثر کاهش میزان بارندگی از پوشش‌های گیاهی نیز کاسته شده و خاکها به صورت عریان نمایان می‌شوند. یکی از پوشش‌های گیاهی مهم در استان خراسان پوشش گیاهی / استپی است که از مهمترین آنها می‌توان به: خارشتر، تلخک، دَرَمِنه و گَوَن اشاره نمود [۴].

اکثر مردم خراسان از نژاد ایرانی و از تیره پارسی هستند. از اقوام ساکن در این استان می‌توان به: تُرکمنها (در نواحی مرزی شمال شرقی استان)، گُردنشینان (در شهرستانهای قوچان، بجنورد و درگز)، تُرکان (کلات نادری در شمال خراسان)، بلوچ و تیموری (در شهرستان سرخس) و اندکی از تیره‌های اعراب اشاره نمود [۵]. به دلیل همین تنوع نژادی، مردمان ساکن خراسان به زبانها و گویشهای مختلفی سخن می‌گویند که عبارتند از: زبانهای فارسی، افغانی، کُردی، ترکی و عربی و گویشهای مشهدی، نیشابوری، تربت حیدری، بلوچی، سیستانی، سبزواری ... علاوه بر این، دین اکثر مردمان این استان اسلام است و این درحالیست که اقلیتهای مذهبی نظیر: زرتشتی، ارمنی، و کلیمی نیز در این استان ساکن هستند [۶].

در سال ۱۳۸۳ بر اساس قانون تقسیم استانها، این استان به سه استان: خراسان شمالی (با مرکزیت بجنورد)، خراسان رضوی (با مرکزیت مشهد) و خراسان جنوبی (با مرکزیت بیرجند) تقسیم شد. بر این اساس، اقتصاد هر استان با توجه به متفاوت بودن آب و هوا، منابع آبی، تنوع پوشش‌های گیاهی و جانوری با هم متفاوت است.

اقتصاد خراسان شمالی بیشتر مبتنی بر کشاورزی (با فرآورده‌هایی نظیر: پنبه، گندم، جو، حبوبات، محصولات جالیزی، محصولات باغی ...)، دامداری (ساکن و نیمه کوچ نشینی)، مرغداری، پرورش زنبور عسل و کرم ابریشم است. علاوه بر مجتمع‌های پتروشیمی و کارخانجات مختلف، صنایع دستی نظیر: قالیبافی، جاجیم بافی و گلیم بافی نیز در بخش صنعتی این استان رواج دارد. به دلیل وجود زمینهای مرغوب زراعی و آب فراوان در دشت ها و دره‌های حاصلخیز استان خراسان رضوی، اقتصاد این استان هم مبتنی بر محصولات کشاورزی ارزشمندی نظیر: محصولات باغی، خرما، گندم، زعفران، زرشک، کشمش و هم متکی به دامداری و دامپروری به ویژه گاوداری به شیوه صنعتی و تولید پوستهای دامی با کیفیت است. در بخش صنعت نیز علاوه بر ذخایر معدنی ارزشمند (نظیر: ذغال سنگ، مس، روی، سنگهای قیمتی، اورانیوم ...) صنایع دستی همچون فرشبافی، فیروزه تراشی و پوستین نیز نقش بسزایی در اقتصاد این استان دارند. گفتنی است که وجود بارگاه نورانی حضرت امام رضا (ع) نیز بر رونق صنعت گردشگری این استان افزوده است. با الحاق شهرستان طبس به استان خراسان جنوبی، این استان به دومین استان بیابانی کشور تبدیل شد. علی‌رغم میزان بارش کم در این استان، بخش مهمی از اقتصادش بر کشاورزی متکی است؛ بنحویکه رتبه اول در تولید محصولات باغی زرشک و عناب و رتبه دوم در تولید زعفران و پنبه را در سطح کشور داراست. انار، پسته، توت و گردو از مهمترین محصولات باغی ارزشمند این استان هستند. علاوه بر بخش صنایع (انواع کارخانجات تولید ماشین آلات و تجهیزات) و معادن (معدن گرانیت، مس، طلا ...)، جاذبه‌های گردشگری (چشمه‌های آب معدنی متنوع، روستاهای تاریخی، انواع غارها و جاذبه‌های کویری) این استان نیز سهم مهمی در اقتصادش دارند. گفتنی است که هنرهای دستی این استان همچون: قالیبافی، رنگرزی، سبذبافی، نمدمالی، زیلوبافی، تَرکه‌بافی ... تاثیر انکارناپذیری بر اقتصاد خراسان جنوبی دارند [۷].

از آنجائیکه استان پهناور خراسان مهد هنرهای دستی و سنتی ایران به شمار می‌آید تا جائیکه برخی از این هنرهای دستی نظیر: فیروزه، پوستین دوزی، فرشبافی شهرت جهانی دارند؛ این مقاله به مطالعه‌ای مروری بر مهمترین دستاوردهای نساجی سنتی این استان پرداخته است. هنرهای بی‌نظیر و ارزشمندی که در بطن خود بیانگر باورها و عقاید مذهبی، آداب، رسوم و فرهنگهای اقوام مختلف ساکن در این استان هستند. لازم به ذکر است که روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

۲. ضرورت و پیشینه تحقیق

با جستجو در پایگاه مجلات، نشریات تخصصی و علمی-پژوهشی کشور به مقالات پراکنده و یا کوتاه در پایگاههای خبرگزاری بر می‌خوریم که هر کدام به‌صورت جداگانه پیرامون هنر سنتی خاصی از استانهای واقع در اقلیم پهناور خراسان اشاره نموده‌اند. با این وجود، مطالعه‌ای جامع پیرامون نساجی سنتی اقلیم خراسان که هر سه استان نامبرده را پوشش دهد و علاوه بر معرفی این هنرها، به ارتباط چگونگی شکل‌گیری آنها با اقلیم جغرافیایی آن ناحیه پرداخته باشد، به چشم نمی‌خورد.

۳. نساجی سنتی

نساجی سنتی* تعریفی است که در آن محصولاتی به‌شیوه دستبافی تولید می‌شوند. بر این اساس، نساجی سنتی شامل: به‌کارگیری الیاف طبیعی (پنبه، پشم، ابریشم ...)، نخ‌ریسی دستی (با کمک دوک و چرخ ریسندگی دستی)، بافندگی دستی (با کمک دستگاههای ساده بافندگی از نوع دو وردی، چهار وردی ... تا ژاکارد دستی)، به‌کارگیری رنگزاهای طبیعی جهت استفاده در رنگرزی سنتی، چاپهای سنتی و رودوزیهای سنتی است. از مهمترین ویژگیهای یک دستبافته سنتی «حضور موثر جسم و روح انسان» در تولید آنست. زیرا کلیه مراحل بافندگی (ایجاد دهانه‌کار، پودگذاری و دفتین‌زدن) یک دستبافته با حرکات دست و پا انجام می‌شود و علاوه بر آن تنوع در بافت به‌دلیل نامحدود بودن امکان به‌کارگیری از پودهای رنگی میسر است. همچنین، نقش و طرح این دستبافته‌ها تماماً از روح و ذهن هنرمند سرچشمه می‌گیرند که تحت تاثیر باورها، آداب و رسوم و عقاید مذهبی اوست.

نساجی سنتی یکی از قدیمی‌ترین هنرها و حرفه‌های سنتی در ایران محسوب می‌شود. نخستین نشانه از وجود یک منسوج گیاهی و ظریف بافت مربوط به ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد است که در طی حفاریهای شهر شوش بدست آمده است. علاوه بر این، هرودوت- مورخ معروف یونانی- از نساجی ایران در ادوار پیش از میلاد سخن به میان آورده و فردوسی بلندمرتبه نیز در اشعار خود از جمشید به عنوان مخترع دستگاه بافندگی ایرانی یاد می‌کند. در دوره هخامنشیان بافت پارچه‌های پشمی نرم و لطیف مشهور بوده است. اما نساجی سنتی و پارچه‌بافی در دوره ساسانیان به پیشرفت چشمگیری رسیده و تنوع دست‌بافته‌ها در دوره صفویه به اوج خود می‌رسد و پس از آن دچار افول می‌گردد [۸].

امروزه نساجی سنتی در مناطق شهری (به‌صورت کارگاهی)، روستایی و عشایری رواج دارد؛ تاجائیکه دستبافته‌های سنتی در خانواده‌های روستایی و عشایری نوعی کالای مبادلاتی و ثروت خانوادگی محسوب می‌شود و بخش مهمی از اقتصاد خانواده را به‌خصوص در زمانهایی که کشاورزی و دامداری از رونق کمتری برخوردار باشند، بر دوش می‌کشد. از گذشته تا به امروز، در اغلب مناطق ایران نساجی سنتی و دستبافته‌ها به چشم می‌خورند؛ با این وجود، دستبافته‌های استانهای یزد، خوزستان، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، اصفهان و خراسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در ادامه به معرفی مهمترین دستبافته‌های سنتی اقلیم خراسان خواهیم پرداخت:

۳-۱- فرش بافی

اقلیم خراسان از روزگاران کهن تا به امروز یکی از مهدهای فرش‌بافی ایران محسوب می‌شود. بیرجند، کاشمر، نیشابور و مشهد از مهمترین مراکز فرش‌بافی در خراسان محسوب می‌شوند. مواد اولیه رایج در بافت فرشهای خراسانی: پشم، ابریشم، پنبه و گرک است. شید رنگزاهای طبیعی مورد استفاده متنوع (حدود ۲۰ تا ۳۰ نوع) می‌باشد که مهمترین آنها عبارتند از:

* Traditional textile



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

لاکی، سورمه‌ای، سبز، سفید، کرم، زرد، سوسنی، پیازی بافتها در فرش بافی خراسان دو نوع فارسی و ترکی است و نقشه‌های رایج در آنها نیز: ماهی (یا هراتی)، افشان شاه عباسی، لچک ترنج ساده و پُر، بته جقه‌ای، اسلیمی، درختی، شکارگاه می‌باشد [۳]. شوربختانه، به دلیل گرانی مواد اولیه و استفاده از رنگزاهای مصنوعی، فرشهای خراسانی به ظرافت و زیبایی گذشته نیستند و جنبه تجاری فرشها جانشین جنبه هنری آنها شده است.

۳-۲- گلیم بافی

گلیم یک دستبافته تاری و پودی از نوع داری (عمودی یا افقی) و بدون پُرز است و مقدمه‌ای بر ابداع قالی بافی محسوب می‌شود. گلیم از قدیمی‌ترین دستبافته‌های پودنما است که برای آن قدمتی ۷۰۰۰ ساله قائلند. نقشها در گلیم بافی ذهنی و بدون نقشه قبلی هستند و اشکال هندسی، انتزاعی، خطوط مستقیم و شکسته با الهام از طبیعت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی در اغلب طرحها* دیده می‌شوند. به دلیل سبکی، نازکی، انعطاف‌پذیری و جابجایی آسان، به غیر از زیرانداز مصارفی همچون: انواع کیسه‌ها، خورجین‌ها، رختخواب‌پیچ، جُل‌اسب، سجاده، سفره ... یافته است. گلیم همچنین دستبافته‌ای روستایی و عشایری محسوب می‌شود و در اغلب نواحی خراسان به آن «پلاس[†]» می‌گویند. معمولاً در بافت گلیم از نخ پنبه‌ای پُر تاب در تار و در پود آن از پشمهای رنگی و گهگاهی ابریشم استفاده می‌شود. گلیمهای بافته شده در اقلیم خراسان اغلب از نوع یک رو و غیر سوماک هستند و تکنیکهای مورد استفاده در بافت آنها از نوع: پودگذاری (در گلیم ساده)، پودپیچی (در گلیم سوماک) و گهگاهی گره کامل (شیوه بافت قالی) می‌باشد [۳، ۸، ۹].

«سفره گردی» نوعی گلیم سوزنی[‡] و پشمی است که توسط زنان عشایر هنرمند گرد ساکن خراسان شمالی و خراسان رضوی بافته می‌شود و اغلب بازگوکننده عظمت فرهنگ، باورها، آداب و رسوم قومی است. سفره گردی (شکل ۱) در ابعاد مستطیلی شکل و عمدتاً دارای نقوش انتزاعی گیاهی، حیوانی و هندسی (دایره، مثلث و مربع) است. نمادها در سفره گردی بازگو کننده کرامت قومی، احترام به طبیعت، نوع زندگی و معیشت بافنده آنست. این دستبافته توسط هنرمندان شهرستانهای: بجنورد، مانه، سملقان، شیروان، فاروج، اسفراین و قوچان تولید می‌شود [۱۰-۱۳].



شکل ۱- تصاویری از سفره‌های گردی با طرحها و رنگهای مختلف [۱۲].

* طرحهای رایج در گلیم بافی: لچک و ترنج، محرمت و طرحهای مکرر هستند. گهگاهی نیز از منگوله‌های ابریشمی، پشمی و رنگین به‌عنوان آرایه بهره می‌گیرند.
[†] پلاس نوعی گلیم درشت بافت با مواد اولیه پشمی ضخیم است که برخلاف جاجیم خطوط زمینه کار در آن افقی و رنگارنگ است و به‌عنوان زیرانداز مناسب جهت محافظت در برابر رطوبت، سرما و گرمای زمین جهت مفروش نمودن کف چادرهای عشایر خراسان شمالی استفاده می‌شود. بهترین پلاس‌ها در کلات نادری خراسان شمالی و بندر ترکمن گلستان بافته می‌شوند (شکل ۳).
[‡] روش بافت آن به شیوه پیچشی است، بدین معنی که دو پود دارد یک پود زمینه و تک رنگ و پود دوم برای بافت نقش و رنگی است. ابعاد رایج برای سفره گردی معمولاً ۱۵۰*۱۰۰، ۱۲۰*۱۰۰ و ۲۰۰*۱۰۰ سانتی‌متر مربع می‌باشد.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

«سفره آردی» نیز نوعی گلیم (بافته شده به کمک دار افقی) از جنس پشم، کُرک یا ابریشم است. سفره آردی (شکل ۲) از اصیل‌ترین دستبافته‌های هنری- قومی مناطق عشایری و روستایی استان خراسان جنوبی با قدمتی ۲۰۰ ساله است. شهرستان قاینات و روستای مهنج در دل رشته کوه قهستان مراکز اصلی تولید این دستبافته زیبا هستند. از سفره آردی به‌عنوان پوششی جهت گرم نگه‌داشتن ظرف خمیر و پهن کردن خمیر پس از ور آمدن بر روی آن برای پخت نان استفاده می‌کنند. پس از پخته شدن نان نیز آن را بر روی این سفره پهن می‌کنند تا خنک شود و همچنین برای جلوگیری از خشک شدن نان چهار گوشه سفره را بر روی نان به‌عنوان یک پوشش محافظتی می‌کشند. تمامی اینها بخاطر تقدسی است که آرد و نان به‌عنوان غذای اصلی عشایر و روستاییان دارد که دستبافته‌ای چنین زیبا را به آن اختصاص می‌دهند. این دستبافته منحصربفرد معمولاً در دو رنگ قرمز (شنگرف) و سفید متمایل به کرم* بافته می‌شود و نگاره‌های رایجی که در بافت آن مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از: نگاره مرغی (یا قوچی)، بزکوهی (یا پازن)، گوزن، طاووس، درخت سرو، سواستیکا ... [۱۲ و ۱۴].



شکل ۲- تصاویری از سفره‌های آردی قرمز و کرم رنگ با نقوش هندسی [۱۳ و ۱۴].

۳-۳-۳- قالی‌بافی

قالی یک دستبافته تاری، پودی و گره‌ای از نوع داری (عمودی یا افقی) با پُرزهای بلند و کم تاب از جنس پشم، ابریشم یا کُرک است. ارزش این دستبافته بر اساس جنس مواد اولیه، تراکم بافت، رنگ و طرح مشخص می‌شود. بر اساس مستندات تاریخی قدمت این دستبافته در استان خراسان جنوبی به ۱۱۰۰ قبل می‌رسد. قالی عموماً دستبافته‌ای یک رو با

* سفره آردی یکی از اقلام مهم در جهیزیه دختران و پسران روستایی و عشایری محسوب می‌شود؛ بنحویکه هر کدام پس از ازدواج یک سفره آردی با خود به خانه بخت می‌برند. زمینه سفره آردی دختر سفید متمایل به کرم و زمینه سفره آردی پسر قرمز رنگ است. سفره آردی معمولاً مربع شکل و در ابعاد مختلف تهیه می‌شود.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

نقوش رایج: اسلیمی، ختایی، هندسی یا ذهنی است. سبک رایج در قالیه‌های خراسان عموماً هندی است که توسط اقوام بلوچ و ترکمن ساکن در این استان بافته می‌شود [۸ و ۹].

۳-۴- گبه‌بافی

گبه نیز یک دستبافته تاری، پودی و گره‌ای از نوع داری (افقی) است. این دستبافته دارای پرزهای بلند (گاهاً بیشتر از ۱ سانتی‌متر) و پودگذاری متعدد (۳ تا ۸ پود در هر رَج) بوده و ضمناً از قالی کوچکتر، دارای تراکم بافت کمتر و با تار و پود پشمی ضخیم‌تر بافته می‌شود. همچنین، گره مورد استفاده در گبه از نوع تُرکی بوده و عموماً به شکل مستطیل و با ابعاد متنوع ۱۰۰*۲۰۰ و ۱۲۰*۲۰۰ سانتی‌متر تهیه می‌شوند. گبه‌ها عمدتاً دارای رنگهای روشن (سفید، کرم، شیری و سبز) هستند و نقوش رایج در بافتشان ذهنی و اغلب گیاهی و حیوانی است. نقوش پلنگ، طاووس و شتر از نقشه‌های رایج در گبه‌های استان خراسان جنوبی است. شهرستانهای زیرکوه، سربیشه، نهبندان و قاینات از مراکز مهم تولید گبه در اقلیم خراسان هستند [۱۵].

۳-۵- جاجیم‌بافی (یا جاجم‌بافی)

جاجیم یک دستبافته تاری و پودی بدون پُرز است که به کمک یک دستگاه بافندگی ساده بافته می‌شود. این دستبافته تارنما (شکل ۳) مشابه گلیم با نقوش راه راه رنگی است که به کمک نخ‌های رنگین و ظریف پشمی، پنبه‌ای یا مخلوطی از هر دو بافته می‌شود. یکی از مشاغل مهم و پر رونق زنان در استان خراسان جنوبی جاجیم‌بافی است که به صورت نواری به عرض ۱۸ تا ۳۵ سانتی‌متر و طول ۸ تا گاهاً ۲۰ متر (متناسب با ابعاد کارگاه) بافته می‌شود. سپس، جهت دستیابی به پارچه جاجیم با عرض دلخواه این نوارهای باریک از کناره بهم دوخته می‌شوند. اغلب جاجیم‌ها در منطقه خراسان جنوبی دارای طرح مُحَرّمات و یا نقوش ساده هندسی (نظیر: گلهای چندپر رنگی) هستند. از جاجیم علاوه بر زیرانداز به‌عنوان: روانداز (جهت محافظت از سرما)، بالاپوش گرم، بسته‌بندی و جابجایی لوازم عشایر به‌هنگام کوچ-نشینی، روپشتی، روکرسی، روتختی، سجاده، کیف، کوسن ... استفاده می‌شود. درحال حاضر، شهرهای قاینات، بیرجند، نهبندان از مراکز مهم تولید جاجیم در استان خراسان جنوبی هستند [۹].

۳-۶- زیلوبافی

زیلو دستبافته‌ای تاری و پودی، تخت، بدون گره و نسبتاً ضخیم است که به کمک یک دستگاه بافندگی ساده بافته می‌شود. پیشینه این دستبافته روستایی دارای قدمتی حدود ۵۰۰-۷۰۰ سال بوده و خاستگاه اولیه آن یقیناً مناطق کویری است. زیرا تار و پود زیلو هر دو از نخهای ضخیم پنبه‌ای تهیه شده و زیرانداز خنک و مناسبی برای مناطق گرم و خشک محسوب می‌شود و اغلب در مساجد، تکیه‌گاهها و اماکن مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیلوه‌ها در اشکال مربع و مستطیل بافته شده و عموماً دارای نقش و بافت دو طرفه هستند؛ بنحویکه نقشها از یک رو با رنگی مخالف روی دیگر مشاهده می‌شوند (شکل ۳). با این وجود، تنوع رنگها در زیلو محدود به دو رنگ بوده و شامل رنگهای سفید-آبی لاجوردی (مناسب اماکن مذهبی)، آبی-قرمز (مناسب مصارف خانگی و ارزان قیمت) و سبز-قرمز (یا زیلوه‌های نفتال و مرغوبترین نوع زیلو) هستند. نقوش در بافت زیلو شامل دو بخش هستند: نقش حاشیه (یا دَج) که اغلب ثابت و یکنواخت است و نقش کار یا زمینه که متناسب با ذوق بافنده تغییر می‌کند. زیلوبافی در شهرستان فردوس خراسان جنوبی و اقوام گُرد ساکن خراسان شمالی رایج است [۹ و ۱۰].



نقش خراسان در شکوفایی صنعت نساجی ایران اسلامی

۳-۷- کرباس بافی (یا کاربافی / جیم بافی)

کرباس یک دستبافته تاری و پودی ساده است که به کمک یک دستگاه بافندگی ساده دو وردی بافته می‌شود. کرباس یا کرباس عموماً به پارچه پنبه‌ای سفید (یا خودرنگ) و درشت‌باف اطلاق می‌شود که از دوران ایلخانی به یادگار مانده است. عرض این پارچه حدود ۳۵ تا ۷۰ سانتی‌متر و طول آن به دلخواه تا ۸۰ متر هم می‌تواند بافته شود. گهگاهی در بافت کرباس از نخهای پنبه‌ای رنگی و آهار زده شده نیز استفاده می‌شود و از این کرباس رنگی* برای تولید انواع لباسها، بقچه، حوله دستی، چادرشب، سفره، دستمال، آستری، بسته‌بندی کالا و کفن استفاده می‌شود. خاستگاه اصلی این دستبافته در استان یزد است؛ با این وجود، کرباس بافی در شهرستانهای سربیشه و بشرویه خراسان جنوبی نیز رواج دارد [۱۶].

۳-۸- برک بافی (یا گرکی بافی / کورگین بافی)

برک دستبافته‌ای تاری و پودی ضخیم است که به کمک یک دستگاه بافندگی ساده دو یا چهار وردی بافته می‌شود. پارچه برک (شکل ۳) نوعی پارچه نرم، لطیف، مستحکم و با خواص درمانی منحصربفرد است[†] که از گرک بز یا شتر[‡] با نقشهای ساده یا چهارخانه بافته می‌شود. برک عموماً پارچه‌ای خودرنگ است و به رنگهای قهوه‌ای، سیاه، سفید، شیری و یا خاکستری تهیه می‌شود و از آن در تهیه بالاپوش، کت، چادر، شال گردن، شال کمر، پاپیج و کلاه استفاده می‌شود. هم‌اکنون، شهرستانهای بجستان، فردوس، بشرویه، سربیشه و نهبندان در خراسان جنوبی از مراکز برک بافی در اقلیم خراسان هستند [۸ و ۱۶].



ب



الف



د



ج

شکل ۳- (الف) پلاس (ب) برک (ج) جاجیم (د) زیلو [۹-۱۱].

* از پوست انار، گردو و برگ مو برای رنگرزی نخهای پنبه‌ای جهت کرباس بافی استفاده می‌شود.

[†] گرمای پارچه‌های بسیار ضخیم و نرم برک، دردهای عضلانی را کاهش داده و برای دردهای مفاصل نیز التیام‌بخش است.

[‡] گرک بز یا شتر را به کمک آهک از پوست جدا کرده و پس از طی مراحل ریسندگی با دستگاه بافندگی چهار وردی ساده می‌بافند. نهایتاً، پارچه تولید شده با زرد تخم مرغ ورز می‌دهند تا سرالیاف فلس مانند گرکها در هم فرو رفته و پارچه نرم شود و اصطلاحاً تن را نخورد [۸].



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

۳-۹- فَرْتِ بَافِي (یا تُونِ بَافِي / توبافی)

بافت و تهیه منسوجاتی از قبیل: حوله، چادرشب و سفره (شکل ۴) به وسیله نخهای پنبه‌ای و گهگاهی ابریشمی در اقلیم خراسان را فَرْتِ بَافِي یا تُونِ بَافِي می‌نامند. این هنر سنتی در استانهای خراسان شمالی (با نام فَرْتِ بَافِي و قدمتی بیش از ۱۵۰ سال) و همچنین در خراسان جنوبی (با نام تُونِ بَافِي) توسط بانوان بافنده انجام می‌شود. نام تون از شهر تاریخی تون* که امروزه به نام فردوس تغییر نام یافته، برگرفته شده است. تون‌بافی به کمک یک دستگاه بافندگی ساده دو وَرْدِي یا چهار وَرْدِي (یا پدال چوبی) و با درگیر شدن دو دسته نخ تار و پود انجام می‌شود. در گذشته از الیاف طبیعی (پنبه، پشم و ابریشم) استفاده می‌شد، اما امروزه از الیاف ویسکوز^۱ به جای پنبه بهره می‌برند. عرض پارچه محدود به ۳۰ تا ۷۰ سانتی‌متر و طول آن متغیر مابین ۳۰ تا ۷۰ متر با امکان پودگذاری رنگی نامحدود است. برای رنگرزی نخها نیز از رنگزاهای بومی منطقه نظیر: روناس، پوست انار، پوست گردو، ریشه بادام کوهی و برگ‌بنه استفاده شده و طرح و نقش در این نوع پارچه‌بافی ذهنی و برگرفته از طبیعت محیط زندگی بافنده است. رایجترین نقشهای مورد استفاده در تون بافی عبارتند از: کُلو، چَپرِ بَافِي، گِنتی و خشتی. مهمترین کاربردها برای دستبافته تون در اقلیم خراسان عبارتند از: قدیغه (یا ملحفه)، بُقَبند (یا چادرشب)، سارُق (جهت بستن و حمل وسایل حمام)، حوله دست و صورت، صافی (جهت آگیری پنبه و خشک کردن ظروف)، سفره نان (یا توتی)، شال سر، سجاده، لباس، دستمال توجیبی می‌باشد. سال ۱۳۹۰ روستای «رویین اسفراین» در خراسان شمالی به‌عنوان مرکز فَرْتِ بَافِي با نام «نخستین روستای نساجی سنتی ایران» ثبت ملی شد. علاوه بر این، مهمترین مراکز توبافی در خراسان جنوبی هم روستاهای «خُراشاد^۲، شورشان، سریشه، گرید بالا و خُشک» می‌باشند [۱۷ و ۱۸].



شکل ۴- برخی از محصولات فَرْتِ بَافِي (یا توبافی) [۹-۱۱].

۳-۱۰- جوراب‌بافی و کلاه‌بافی

جوراب‌بافی یک هنری سنتی است که اغلب توسط اقوام چادرنشین اقلیم خراسان انجام می‌شود. در زبان محلی به آن «جوراب گُرکی» یا «جوراب گُردی» می‌گویند. طرحهای مورد استفاده در این دستبافته‌ها «نقوش هندسی» است و شید رنگها نیز «قرمز تیره، سرمه‌ای و زرد» می‌باشد. جنس نخهای مورد استفاده در بافت این جورابهای سنتی نیز «پشم گوسفند» است.

کلاه گُرکی (یا کُلاه گُوشی در اصطلاح محلی) نیز دستبافته‌ای سنتی و کهن می‌باشد که خاستگاه اولیه آن شهرستانهای «گرمه و جاجرم» در استان خراسان شمالی است. ماده اولیه این دستبافته گُرک بُز است و عموماً بصورت خام و خوردنگ

* شهر تون مربوط به دوران تاریخی پس از اسلام است که در جنوب غربی شهر فردوس امروزی واقع شده است و امروز میان مردم فردوس بنام «شهر کهنه» شناخته می‌شود.

^۱ ویسکوز یک لیف بشرساخت با ساختار شیمیایی مشابه پنبه است. براقیت، استحکام، جذب رطوبت و رنگ‌پذیری بیشتری نیز نسبت به پنبه دارد.

^۲ بر اساس اعلام شورای جهانی صنایع دستی «روستای خُراشاد از خراسان جنوبی» در سال ۲۰۱۸ میلادی به‌عنوان روستای هدف هنر دستی تون بافی (یا حوله بافی) ثبت جهانی شد.



استفاده می‌شود. از خواص منحصر بفرد این دستبافته غیر قابل نفوذ بودن در برابر سرما و رطوبت است و به همین دلیل کاربرد خود را تا به امروز حفظ کرده است [۸ و ۱۰].

۳-۱۱- پوستین دوزی (یا پوستین سازی)

پوستین دوزی هنری سنتی و اصیل منسوب به مردمان عشایر و دامدار است که در آن با استفاده از پوست حیوانات حلال گوشت نظیر گوسفند محصولاتی تهیه می‌کنند که برای محافظت و گرم نگه داشتن بدن انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. محصولاتی که از هنر پوستین دوزی تهیه می‌شوند، عبارتند از: کلاه، پاپوش، پالتو، جلیقه، شال گردن، دستکش، سجاده و پادری (شکل ۵). در حال حاضر، شهرستانهای مشهد، شاندیز، قوچان و طرّبه مراکز مهم پوستین دوزی در خراسان رضوی محسوب می‌شوند [۶ و ۸].



شکل ۵- هنر سنتی پوستین دوزی [۱۱].

۳-۱۲- نمد مالی سنتی

نمد نوعی منسوج سنتی نبافته با قدمتی ۶۰۰۰ ساله است که به روش دستی - تنیدنی تهیه شده و اغلب به عنوان زیرانداز مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمد از گذشته تا به امروز به شیوه قدیمی: «فشردن، غلتاندن در رطوبت و حرارت» و بر اساس خصوصیات ذاتی الیاف پشم یا گرگ (جعددار بودن و پوسته‌ای شدن) تهیه می‌شود (شکل ۶). روش کار بدین صورت است که الیاف پشم بلند بهاره گوسفند را با آب گرم و صابون (و یا گاهاً زرده تخم مرغ) مالیده و ورز می‌دهند تا فلسهای الیاف پشم درهم فرو رفته و به فرم یک صفحه صاف، یکدست و نرم (مشابه یک منسوج بافته شده) درآید. فرآیند نمد مالی کاری بسیار طاقت فرساست؛ بنحویکه گهگاهی برای تولید برخی از محصولات (مانند کپنک) به چهار تا پنج نفر مرد ورزیده در یک روز کاری نیاز است. نقوش رایج در نمدهای اقلیم خراسان عمدتاً: سه گل، پنج گل، برگ گل، اشکال هندسی و یا اسماء مذهبی هستند. شیدهای رنگی رایج نیز متناسب با نقوش مورد استفاده اغلب «کرَم، قهوه‌ای، خاکستری و قرمز» می‌باشند. نمد عایقی فوق العاده برای سرما، گرما، رطوبت است و در عین حال محکم، انعطاف پذیر و با دوام است. معمولاً از نمد برای تهیه کلاه، تن پوش (یا پالتو)، زیرانداز، پاپوش و پادری استفاده می‌کنند. مهمترین مراکز تولید نمد در اقلیم خراسان عبارتند از: جَرگلان، مانه و سملقان (در خراسان شمالی)، نهبندان، فردوس، سرایان، طبس و سربیشه (در خراسان جنوبی) [۸].



شکل ۶- نمدمالی سنتی [۸].

۳-۱۳- ابریشم‌کشی و ابریشم‌بافی

ابریشم‌کشی حرفه‌ای سنتی، دستی و قدیمی است که در آن از یک وسیله چوبی به نام چرخانه برای ابریشم‌کشی استفاده می‌شود. البته امروزه فن ابریشم‌کشی (شامل: پيله‌کشی، لاگیری، تاب دادن نخ و کلاف‌کشی) با ابزارهای ماشینی انجام می‌شود که منجر به تولید نخ ابریشم با کیفیت بهتری می‌شود. ابریشم‌بافی یک هنر سنتی کهن می‌باشد که آثار یافت شده در حفاریهای مارلیک و چراغعلی قدمت آن را تایید می‌کند. در این دستبافته سنتی جنس تار و پود از ابریشم است و حتی نقوش برجسته روی کار نیز ابریشمی است. این دستبافته با طرحهای ساده، راه‌راه، چهارخانه و هندسی بافته شده و با رنگزاهای گیاهی رنگرزی می‌شوند (شکل ۷). عرض این دستبافته عموماً ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر و طولش یک متر است و برای لبه یقه، سرآستین و پیش سینه لباسهای فاخر مورد استفاده قرار می‌گیرد. تربت‌حیدریه (در خراسان رضوی)، جَرگلان، مانه و سملقان (در خراسان شمالی) و کلات نادری و زاوین (در خراسان جنوبی) از مراکز اصلی ابریشم‌بافی در اقلیم خراسان هستند [۶ و ۸].



شکل ۷- هنر سنتی ابریشم‌بافی [۱۰ و ۱۱].

۳-۱۴- شَربافی (یا شَرَبافی)

شَربافی (یا شَرَبافی) همان پارچه‌بافی یا جولایی است که قدمتی بیش از ۳۰۰ سال دارد. شَعر در فرهنگ دهخدا به معنای «موی باریک انسان یا حیوان» و به بافنده آن «شَرباف یا شَرَباف» می‌گویند. شَعر به نوعی پارچه ابریشمی یا پشمی که با دستگاه بافندگی چهار وَردی بافته می‌شود، اطلاق می‌شود. البته علت این نامگذاری به درستی مشخص نیست؛

* گهگاهی موباف یا موتاب هم می‌گویند.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

زیرا در شعربافی اساساً مویی بافته نمی‌شود و احتمالاً به خاطر شباهت تارهای ابریشم به مو این نامگذاری صورت گرفته است. از سویی دیگر، شاید علت اینکه برخی نام این پیشه را «شربافی» می‌دانند درست‌تر باشد؛ چون واژه‌ی «شَر» در زبان فارسی به معنی چَم یا «دستار بزرگ و رنگین» است که با محصول نهایی این حرفه همخوانی بیشتری دارد. گفتنی است که شعربافی حرفه‌ای صرفاً مردانه بود و کارگاه‌های شعربافی اغلب در زیرزمین‌های نسبتاً تاریک و نمور قرار داشتند. هر بافنده چیره‌دست می‌توانست در طول یک روز حدوداً ۱ تا ۲ متر پارچه ببافد.

در شعربافی از نقشه خاصی استفاده نمی‌شود و عموماً به دو شیوه ساده و میله‌ای (یا راه راه) بافته می‌شود. شعر ساده مخصوص لباسهای زنانه و به رنگهای «بنفش، زرشکی، مشکی، زرد، بادمجانی و سبز» و شعر راه راه مخصوص لباسهای مردان و به رنگهای «سفید و سیاه» بافته می‌شود*. علاوه‌براین، نام بافنده با نشان طلایی در سر و ته پارچه نیز درج می‌شد که به آن اسم بافی می‌گویند. لازم به ذکر است که محصولات شعربافی متنوع بوده و ترمه[†]، زری[‡]، مخمل[§] و دارایی^{**} را نیز شامل می‌شد (شکل ۸)، اما بعدها بافت هر کدام از این پارچه‌ها به هنر سنتی‌ای با همان نام منسوب شد. در گذشته، خاستگاه شعر ابریشمی شهر کاشان و نوع پشمی آن در شهرهای یزد و اصفهان بوده است که متأسفانه اکنون کارگاه‌های شعربافی اندک‌شمار و رو به فراموشی است. با این وجود، در اقلیم خراسان شعربافی در شهرهای مشهد، سبزوار، گناباد و تربت‌حیدریه تا حدودی به چشم می‌خورد [۱۹ و ۲۰].



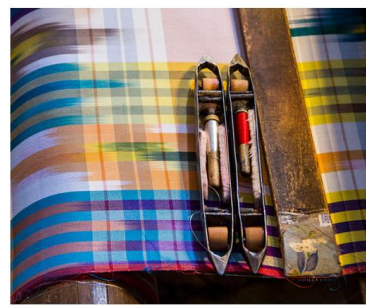
الف



ب



ج



د

شکل ۸- (الف) ترمه (ب) زری (ج) مخمل (د) دارایی [۱۱].

* از شعربافی به‌عنوان دستار، شال کم‌ری، شمد (یا رو انداز) و گاهاً برای پیچیدن رختخواب نیز استفاده می‌شود. † ترمه دستبافته‌ای بسیار زیبا با تار ابریشمی و پود: ابریشمی، پشمی یا گرگ رنگی است. گفتنی است که بافتن آن در میان دستبافته‌های شعربافی از همه سخت‌تر است.

‡ زری یکی از زیباترین دستبافته‌های شعربافی با تار و پود ابریشمی و گلابتون است که به‌وسیله دستگاهی به‌نام دستوری بافته می‌شود.

§ مخمل پارچه‌ای ساده یا نقش برجسته و از جنس پنبه یا ابریشم است که یک روی آن صاف و روی دیگر دارای پرزهای لطیف و نزدیک بهم می‌باشد.

** پارچه‌ای با نقوش درهم هندی است که قواره‌هایی از آن را به‌همراه ترمه به‌عنوان دارایی عروس به او جهیزیه می‌دهند و به‌همین جهت به آن «دارایی» می‌گویند.

۳-۱۵- ترکه بافی (یا سبد بافی / حصیر بافی)

ترکه بافی یا حصیر بافی پیشه‌ای با قدمت ۱۲۰۰۰ ساله است؛ بنحویکه زیراندازهای حصیری را به تمدن بین‌النهرین نسبت می‌دهند. حتی ادعا شده که قدمت حصیر بافی پیش از سفالکاری (یا دوران نوسنگی) است چرا که در ساخت سفالینه‌ها از حصیر به عنوان قالب استفاده می‌کردند. بطور کلی، به دستبافته‌هایی که با استفاده از الیاف سلولزی، برگ، شاخه‌های نازک و باریک درختان و درختچه‌ها* تهیه می‌شوند ترکه و به این حرفه ترکه بافی می‌گویند. از دستبافته‌هایی که به شیوه ترکه بافی تولید می‌شوند می‌توان به: زیرانداز، کلاه، سفره، سبد میوه و سبزی، سبد حمل بار، زنبیل، بادبزن، آبکش ... اشاره نمود. لازم به ذکر است که برای ایجاد اسکلت کار ابتدا دو دسته چهارتایی از ترکه‌های قویتر را به صورت عمود بر هم و به فرم هشت شعاعی سوار می‌کنند و سپس به کمک ترکه‌های نازکتر عملیات بافت و تکمیل دستبافته را انجام می‌دهند.

ترکه بافی یا حصیر بافی یک حرفه فصلی در اقلیم خراسان جنوبی محسوب می‌شود[†] و در فصلهای پاییز و زمستان در شهرهای: بیرجند، طبس، نهبندان و قائن ساکنان منطقه ساقه‌های نارس گیاهانی نظیر: درخت بید قرمز (بید مشک) و درختچه‌های سافترگ (درختچه‌های بادام کوهی و بادام تلخ) را قبل از جوانه زدن از درخت جدا می‌کنند و با آن ترکه می‌بافند. علاوه بر این، در خراسان جنوبی (شهرستان بشرویه) نوعی از حصیر بافی با ساقه گندم رایج است که در اصطلاح محلی به آن «پَخل بافی» می‌گویند و محصول آن انواع سبدهاست. در شهرستان طرُقه (۲۰ کیلومتری مشهد) نیز نوعی از ترکه بافی رواج دارد که به آن «ارغوان بافی» می‌گویند؛ زیرا ماده اولیه آن ساقه درخت ارغوان است که در طرُقه به وفور یافت می‌شود. در ارغوان بافی پس از جدا نمودن ساقه‌های درخت آنها را خیسانده تا خاصیت ارتجاعی بیابند و سپس از آنها برای بافت محصولات مختلف بهره می‌جویند (شکل ۹). محصولات ارغوان بافی بسیار مستحکم هستند اما در مقابل رطوبت مداوم دوامشان کاهش می‌یابد [۹ و ۲۱].



شکل ۹- (الف) پَخل بافی (ب) ترکه بافی (یا حصیر بافی) (ج) ارغوان بافی [۹ و ۱۱].

۴. نتیجه‌گیری

دستبافته‌های سنتی اقلیم خراسان با استفاده از مواد اولیه بوم‌آورد و به‌منظور برطرف نمودن نیازهای مردمان منطقه شکل گرفته‌اند. در این میان، باورهای قومی و مذهبی، آداب و رسوم، سنن، طبیعت پیرامون هنرمند بافنده و ذوق و سلیقه

* چنانچه از ترکه‌های کهنه و غیر منعطف استفاده شود آنها را چند روز در آب می‌خیسانند تا انعطاف‌پذیر شوند.

[†] ترکه بافی در فهرست میراث ناملموس ملی به شماره ۸۱۳ ثبت گردیده است.



او بر شکل‌گیری نقوش، طرحها، نوع بافت و رنگهای بکار گرفته شده بی‌تأثیر نبوده است. نساجی سنتی از دیرباز تاکنون در کنار پیشه‌های کشاورزی و دامداری به اقتصاد اقوام مختلف ساکن در اقلیم پهناور خراسان کمک قابل توجهی نموده است.

مراجع

۱. کیهان، مسعود. (۱۳۱۱). *جغرافیای مفصل ایران* (جلد دوم). تهران: چاپ مجلس.
۲. هومباخ، هلموت. (۱۳۵۱، اسفند). نام خراسان، *نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان*، ۱۱(۲)، ۷۲.
۳. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۸). *شناخت استان خراسان*. تهران: هیرمند.
۴. مطیعی لنگرودی، حسن. (۱۳۷۴). *جغرافیای اقتصادی خراسان*. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. فیلد، هنری. (۱۹۳۹). *مردم شناسی ایران* (ترجمه عبدالله فریار). شیکاگو: انتشارات فرانکلین.
۶. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۳۸، اسفند). نگرشی بر سرزمین خراسان. *مجله سیمرخ*، ۱(۲)، ۲۸.
۷. پایگاه خبری وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (www.mcth.ir).
۸. یآوری، حسین. و عرفانی، فاطمه. (۱۳۹۲). *هنرهای سنتی ایران در یک نگاه*. تهران: انتشارات سیمای دانش.
۹. پایگاه خبری اداره کل سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی (www.skchto.com).
۱۰. پایگاه خبری اداره کل سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان شمالی (www.nkchto.com).
۱۱. پایگاه خبری اداره کل سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی (www.razavichto.ir).
۱۲. دلخوش، محمد. (۱۳۹۹، بهار و تابستان). مطالعه تطبیقی سفره آردی خراسان جنوبی و سفره بافی خراسان شمالی. *دو فصلنامه علمی رجشمار*، ۱(۱)، ۸۰-۶۵.
۱۳. کاظم‌پور، داریوش. و سلیمانی، محسن. (۱۳۹۱). مطالعه نقوش دستبافته‌های خراسان شمالی و استفاده از آنها در طراحی نشانه. *فصلنامه گلجام*، ۲۱، ۶۴-۴۵.
۱۴. حمزه، حمزه. و انوری مقدم، امیر. (۱۳۹۴، آذرماه). *سفره آردی، نماد زیبایی و اصالت در دستبافته‌های داری اصیل خراسان جنوبی (مطالعه موردی سفره آردی قاین)*. همایش ملی فرش دستباف خراسان جنوبی، دانشگاه بیرجند، بیرجند.
۱۵. ابراهیم زاده، فرزاد. و مبینی، مهتاب. (۱۳۹۱). بررسی نقوش گبه‌های ایرانی. *ماهنامه کتاب ماه هنر*، ۱۶۹، ۱۰۷-۱۰۰.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

۱۶. رحیم پور، شهدخت. و جمشیدی، صباحت. (۱۳۹۵، اردیبهشت). بررسی ویژگیهای ساختاری دو بافته منسوخ شده در خراسان جنوبی. نخستین همایش بین‌المللی هنر و صناعات در فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی با تاکید بر هنرهای رو به فراموشی. دانشگاههای اصفهان و هنر اصفهان، اصفهان.
۱۷. ابراهیمی، کاظم. چیت سزایان، امیرحسین، و مالکی، هما. (۱۳۹۹). بررسی نقش و شیوه بافت در تونبافی خراسان جنوبی (مطالعه موردی روستاهای خشک، خراشاد، گورید بالا و شورستان). دو فصلنامه علمی رجسمار، ۱ (۲)، ۱۱۰-۹۲.
۱۸. عباسی، جواد. (۱۳۹۴). تونبافی (قهستان) هنری ماندگار. دو فصلنامه پژوهشی-تحلیلی مطالعات هنر بومی، ۴، ۵۸-۳۹.
۱۹. نیازی، محسن. و استرکی، فهیمه. (۱۳۹۱). شعربافی در کاشان (تحلیلی بر فرآیند تاریخی، فعالیتها، مراحل و دستبافته‌های شعربافی). نشریه کاشان شناسی، ۹، ۱۰۳-۸۰.
۲۰. نیازی، محسن. و استرکی، فهیمه. (۱۳۸۷). از پبله تا پارچه: شعربافی کاشان. تهران: انتشارات دعوت.
۲۱. شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۸). حصیربافی استانهای یزد و گیلان از منظر فرم و نقش. ماهنامه کتاب ماه هنر، ۱۳۵، ۵۷-۴۶.